

18. 07.2014

آزاد کابلی
اقتباس از سایت وزین آسمایی

"بز در جانکندن قصاب در غم چربو"

عوامل پس پرده بحران انتخابات ریاست جمهوری افغانستان

همانسان که در نوشته دیگری آمده است، بحرانی شدن اوضاع در پیرامون دور دوم انتخابات افغانستان عوامل متعددی دارد، از جمله عوامل ظاهری و باطنی که اینک در زیر بر آنها مرور خواهیم کرد.

در شمار عوامل ظاهری یکی هم آن تقلبات آشکار و غیر آشکاریست که با ساز و برگ قبلا تنظیم شده ساخت و بافت شواهد صوتی از نتیجه استراق سمع، ویدئو کلیپ های غیر حرفوی، عکسهای غیر مجاز و همچنان شاهدان عینی که بحیث راوی جریانات متعدد تقلبات را از خود صحنه ها بازگویی می کنند.

و عوامل باطنی که دیگر مسئله تنها افغانی یا در پیوند با افغانستان نیست، اما افغانستان را تا بیخ و ریشه متأثر می سازد و شیرازه های تازه جان گرفته آن را دوباره از میان می برد. درعامل باطنی این بحران، طرف های خارجی افغانستان را میدان مناسب پیشبرد سیاستهای منطقوی جنوپولتیک خود به کار می برند. آنها تلاش می ورزند که از رویدادهای مختلف ملی از جمله یکی هم انتخابات اخیر ریاست جمهوری در بسر رسانیدن این برنامه های جنوپولتیک استفاده کنند. یکی از این موارد ظاهرا تشدید و ادامه جنگ نیابتی ایست که از سوی پاکستان کشور همجوار به پیش برده می شود تا از آن طریق در بدست آوردن اهداف لازمی که در سیاست خارجی خود پی ریزی کرده، بهره ببرد. و کشورهای دیگر همجوار و منطقه و جهان که امروز عملا در درون افغانستان میدان رقابت را میان شان باز کرده اند، از این رویدادها به مراد دل خودشان بهره می برند که یکی از آنها بی صبری امریکا در امضای قرارداد امنیتی با دولت آینده افغانستان است.

این قرارداد امنیتی در چه شرائط سیاسی و از سوی چه نوع دولت و زعامتی در افغانستان میتواند به مراد دل امریکا و متحدان ناتویش به امضاء برسد؟

شاید بسیار کسان با این طرح و تحلیل موافق نباشند که هر قدر افغانستان در یک حالت بی ثباتی، تهدید به خلاء قدرت، منازعه دو یا چند طرف برای رسیدن به قدرت و در مجموع یک زعامت ضعیف، دهن پرآب، معامله گر که غیر از دستیافتن به قدرت سیاسی هدف دیگری نداشته باشد، از بستر چنین وضع یک دولت ضعیف، متزلزل با ترکیب نامتجانس و غیر مسلکی بیشتر مصلحتی زاده شود که میتواند در بسر رسیدن این آرمان که عبارت از امضای قرارداد امنیتی با امریکا باشد زمینه امضای بی درد و سر این قرار داد را مساعد کند.

اما امضای بی درد سر قرارداد امنیتی با امریکا و برخ متحدان دیگر ناتو برای افغانستان در درازمدت دارای عواقبی خواهد بود که هم اکنون عامه از پیش در آن موارد آگاهی کامل ندارد. این عواقب انتظار می‌رود که سرانجام چه زود چه دیر باید که سر رسد تا زخم التهایی تاریخی خط "دیورند" را به سود پاکستان مداوا و به زیان افغانستان جراحی کند و جراحات و داغهای آنرا دائمی از خود به جا گذارد. اما این بستگی به آن دارد که در افغانستان چه تعداد از مردم عام و از سیاستمداران به این مسئله تاریخی نگاه می‌کنند. برای آنانی که تاریخ مصرف "دیورند" تمام شده، این حالت تفاوتی نخواهد داشت، ولی برای آنانی که هنوز بر عدم شناسایی و پذیرش آن تأکید دارد، یک فاجعه خواهد بود که چه دیر چه زود خواهد رسید. چون از قرار معلوم بازگران خارجی از جمله امریکا و متحدان ناتوی مرزهای دو کشور را به اساس "دیورند" می‌شناسند. چندی پیش دولت بریتانیا این موضعگیری اش را آشکارا بیان داشت و سیاستمداران امریکایی هم با لحن شبیه حرف می‌زنند.

این دو عامل ظاهری و باطنی به بحران بردن انتخابات ریاست جمهوری افغانستان هر کدام در جای خود عواملی اند که بحیث ابزار در کوتاه و دراز مدت اهداف لازمی را برای نقش آفرینان و یا بازیگران ذینفع داخلی و خارجی در جریانات سیاسی افغانستان در خود نهفته دارد.

ظاهر سر و صداهای نارضایتی از نتایج انتخابات اخیر ریاست جمهوری افغانستان مؤلف نارضایتی یکی از دو نامزد پیشتاز دور دوم انتخابات است که گمان برده می‌شود تعداد زیادی از کادرها و صفوف این تیم انتخاباتی بصورت غیر عمدی و نا آگاهانه به این بازی کشانیده شده اند. یکی از عوامل نارضایتی این طرف در اشتباه گزینش متحدین تیم انتخاباتی پیش از دور اول و بخصوص در انتخاب متحدین پس از دور اول نهفته است که انتخابات به دور دوم کشانیده شد. اما رهبری این تیم نمی‌خواهد تأثیر گذار بودن این عامل را را در تغییر آراء به زیان آنها اعتراف کند. و پیهم تأکید بر آن دارد که دلیل پایین بودن آراء آنها تنها نهفته در آراء تقلبی رقیب است که باید تفتیش و بازرسی شود.

با طرح گفته های بالا چه خواسته ایم بگویم: انتظار میرفت نتیجه دور دوم انتخابات یک حکومت متشکل از ائتلافی باشد که در "آغا بلی گفتن" به امریکا بی رقیب و در اداره کشور همان سرکوب عامه و اکثریت خاموش و نادار توسط دسته از عمال مافیایی که اقتصاد کشور را اداره می‌کنند. عملی که در میان شان غاضبین زمین های شخصی، دولتی، قاچاقبران مواد مخدر، جنگسالاران میدان باخته با حفظ گروه های مسلح غیر مسئول و غیر رسمی. مقامات دولتهای ده سال پسین که نماینده گی از دول و حکومت ناکام (فیلد گورنمنت) بوده ند. آنانی که ادعا دارند به طلسم و راه و رسم حکومتداری مدرن در شرائط جدی روابط سیاسی و اقتصاد بین المللی آشنا هستند که نیستند.

میکانیزم صحنه های بازی از سوی این تیم بازنده، بسیار غیر ماهرانه تنظیم و مهندسی شده بود و بستگی داشت به سطح نکاوت فکری سیاسی زعامت این تیم انتخاباتی تا روند جلب و جذب متحدان در هر دو دور را همه جانبه با نظر داشت عواقب آن بایست مدیریت می‌کرد که با تأسف نتوانست از عهده آن موفق بدر آید.

این تلاش در سوی دیگر تیم نامزد انتخاباتی هم صورت گرفت و سعی به عمل آمد تا هر دو تیم بحیث وسایل آزمایشی برای به کرسی نشاندن برنامه های دور بازیگران برونی که از ترکیب آنها در بالا تنکار به عمل آمد، به کار برده شود.

در این میان تیم پیشتاز درجه اول دور اول انتخابات از همان آغاز پیدایش خود که برای دور اول انتخابات حدود یکسال پیش آماده گی می‌گرفت، مخاطب دوجانبه یا چند جانبه بازیگران منطقه و جهان قرار گرفت. مخاطب قرار گرفتن این تیم انتخاباتی با حاصل کردن

یک نوع اعتماد به نفس مصنوعی برای برنده شدن محتوم به شکل بسیار صریح تحت تأثیر و نفوذ بازی دو سوی متخاصم و ذینفع در مسایل افغانستان قرار گرفت.

این دو سوی بازیگران خارجی کدام ها اند:

1- ایران، هند، برخ کشورهای آسیای میانه و روسیه

2- پاکستان، عربستان سعودی، برخ کشورهای خلیج، امریکا و غرب اروپا

در این بازی دو هدف عمده از سوی این دو بلاک متخاصم یا رقیب در افغانستان به پیش برده می شود:

الف. ایران با چشم داشتن به دستیابی به اهداف دور خود که بایست به تقویت پیروان مذهب شیعه و نیروهای سیاسی این مذهب بینجامد، در ژرفا از سیاستمداران تندرو شیعه در افغانستان بشمول تا جک تباران افراطی اقدام ورزید و اقدام می ورزد. و از این طریق تعمیم نفوذ و تأثیر سیاسی ایران در آسیای میانه که بتواند یک کمربند محافظتی و هشدارنده در اتحاد با روسیه در برابر غرب و تندروان اسلام سنی تشکیل دهد. ایران و متحدان منطقوی اش می خواهند تا افغانستان میدان تهدید برای منافع منطقوی این کشورها واقع نگردد. یا تا حد ممکن اگر شود که افغانستان تحت نفوذ سیاسی و نظامی آنها درآید.

هند در جای خود در پی منافع اقتصادی و تضعیف نقش فعال و تأثیر گذار پاکستان در افغانستان است. هند همواره سعی می ورزد تا بر سیاستهای مشغول نگهداشتن پاکستان در مسایل افغانستان و بلمقابل با مشغول نگهداشتن افغانستان با پاکستان، ادامه دهد. و همیشه ظاهرا با هر دولت افغانستان مناسبات نیک داشته باشد، ولی پنهان نمی کند که پیوند ژرف سیاسی با حلقات لازمی را هم در افغانستان برای روز مبادا، می داشته باشد. از جمله یکی هم روابط نزدیک و حسنه با بخش عمده تیم "اصلاحات و همگرایی" که پیشینه آن بر میگردد به دوران جهاد زمان تهاجم قوای شوروی در افغانستان.

چین در این بازی همیشه دنبال منافع خاص اقتصادی و سیاسی خود اش است که نمیخواهد افغانستان به مثابه یک کشور همجوار کاملا در دست بازیگران رقیب جهانی آن کشور یعنی ایالات متحده و اروپا قرار داشته باشد.

ب. غرب تلاش ورزیده برای رسیدن به امضای توافقنامه درازمدت امنیتی با ایالات متحده امریکا و برخ کشورهای بزرگ دیگر پیمان ناتو به هدف حضور مشروع نظامی در این کشور، تلاش ورزیده نیروهایی را در افغانستان از هر طیف و گروه اعم از سیاسی، قومی، مذهبی، ایدئولوژیکی و غیره بحیث همتاء داشته باشد که در سطح ملی از حمایت صد در صد سیاسی سایر نیروها برخوردار نباشد و همچنان از لحاظ داشتن رأی مستحکم و جامد نتواند در امضای این پیمان با امریکا و متحدانش "تأخیر بعمل آورد و در آن بیشتر از آنچه در متن نهایی کنونی است، ملاحظاتی را برای تصحیح و تعدیل بمیان نیآورد و باریکی های دیگری را در آن جستجو نکند.

ت. اینجاست که سر نخ عامل عمده به بحران بردن دور دوم انتخابات افغانستان که به تاریخ 7 جولای سال نتایج مقدماتی آن اعلان شد، برملا می گردد. این عامل مسئله قرارداد سیاسی میان افغانستان و پاکستان است در خصوص شناسایی و نهایی ساختن حدود ارضی و مرزی میان این دور کشور بر اساس خط "دیورند".

حال پرسشی مطرح می گردد که مسئله توافقنامه امنیتی با امریکا چه ربطی دارد با قرارداد سیاسی میان افغانستان و پاکستان؟

تا این جا هرچه آمد ظاهرا دو سوی به بحران کشیده شدن اوضاع سیاسی در افغانستان است که تلاش صورت می گیرد، در نتیجه دو دور انتخابات ریاست جمهوری افغانستان یک برنده قاطع، قابل دید و قابل تایید در افغانستان، به میان نیاید. نیروی که بتواند با قاطعیت به حکومتداری سالم و معیاری در داخل و در روابط خارجی این کشور با جهان برونی بپردازد. حکومت یا دولتی که بتواند بزرگترین دلیل ادامه جنگ داخلی را که دست مایه برای ادامه جنگ نیابتی پاکستان سایر کشورهای منطقه با استفاده از نیروهای تندرو اسلامی را از میان برچیند. دست فرصت طلبان، نفوذ دسته های مافیایی را در قدرت سیاسی و اقتصادی افغانستان کوتاه بسازد. به اصلاحات و تحولات بنیادی بپردازد، شغل زایی و برنامه های دراز مدت اقتصادی که از یکسو ضمانتی برای پیشرفت اقتصادی درازمدت و شغل افزایشی برای بیکاران گردد، برطرف گردد.

چرا؟

در موجودیت چنین یک حالت، طرف امضاء کننده آینده این پیمان امنیتی در دولت افغانستان مسایلی را در عواقب امضای این قرار داد با غرب که بساده گی بتواند دولت آینده افغانستان را در دام تاریخی بیندازد که مجبور به امضای آن قرارداد تاریخی سیاسی که شامل شناسایی حدود ارضی و مرزی میان افغانستان و پاکستان به اساس خط "دیورند" گردد، مواجه نسازد.

این وضع چگونه و چه زمان میتواند پیش آید؟

در این واقعیت تاریخی هیچ معجزه پنهان نیست که زمامداران یا دولتمداران پیشین افغانستان هر قرارداد سیاسی را که در گذشته با کشورهای همجوار، منطقه و جهان به امضاء رسانیده و در نتیجه همیشه افغانستان زیانمند و بازنده از آن بدآمده اند، در شرائطی انجام شده که حاکمان قدرت آنروزگار در میان عشیره، تبار، دودمان و خانواده یا رقبای سیاسی خود برای حفظ قدرت در کشمکش بوده اند. امضاء نکردن آقای کرزی در کنار سایر تبعاتی که احتمالا وجود دارند، یکی هم بنامی تاریخ بوده است، که نمی خواسته بیشتر از آنچه با آمدن قوای چند ملتی دنیا در رأس ایالات متحده امریکا در سال 2002 به خود کمایی کرده، بار دیگر کمایی کند. این قراردادها همیشه در جریان اوضاع بحرانی پیچیده سیاسی که هسته آن بیشتر جنگ بر سر قدرت سیاسی میان بازماندگان یک دودمان، یا جنگهای داخلی میان اقوام، سلسله ها و نیروهای سیاسی رقیب بوده، به میان آمده است.

کشمکشهای روزهای دو هفته اول ماه جولای سال 2014 که دیگر از هیچ کس پوشیده نیست، یکی از برجسته ترین نمونه های این شرائط می باشد. گفته می شود که یکی از دو طرف دور دوم انتخابات که بازنده اعلام شده بود، نمی خواست بپذیرد که در کنار تقلبات

و غیره گپها میتواند که بازنده این دور انتخابات هم باشد. بناء این تیم انتخابات دست به اقداماتی تهدید آمیز از اعلام حکومت موازی پرداخت. پسانها روشن شد که اقدامات این تیم فراتر از تهدید و راه پیمایی و تظاهرات بوده است. آنها در نظر داشته اند که با هجوم به ارگ ریاست جمهوری آنرا به تصرف شان در آورند. گویا انقلابی کنند از نوع همانهای زرد، نارنجی، سبز و سفیدی که در این اواخر باب مد روز شده است، دست زده باشند. اینان برنامه داشته اند تا حکومت شانرا در یک تا سه ولایت اعلام بدارند.

دور نرفته تنها اگر به تاریخ امضای خود قرار داد "دیورند" نگاه کنیم که آنرا زمامداران روزگار تحت بدترین شرایط خانه جنگی و مقاومت ها برای قدرت سیاسی به امضاء رسانیده اند. همین سان آمدن قوای سرخ اتحاد شوروی در اوضاع و احوال خیلی اختناق آور و بحرانی سیاسی به میان آمد که در درون رهبری ح د خ ا رقابتهای خونین برسر تصاحب و ادامه قدرت سیاسی جریان داشت. همین سان تضعیف شدن موقف منطوقی افغانستان در برابر رقبای منطوقی اش ایران و پاکستان پس از سقوط دولت دوکتور نجیب الله در سال 1992 که رقابتهای خونین و ویرانگر مسلحانه را میان تنظیم های جهادی به میان آورد. جنگهای قدرت که در نتیجه یک طرف بازی منطوقی که عبارت باشد از پاکستان و عربستان در تفاهم با امریکا و غرب، جنبش طالبان را که تاریک ترین نیروی سیاسی بود، به قدرت رسانید. نیروی که توسط آن عربستان سعودی، برخ از دول سنی مذهب حوزه خلیج و بیشتر از همه پاکستان را راضی و پیروزمند در جنگ افغانستان ساخت.

همین سان سقوط حاکمیت طالبان در نوامبر سال 2001 و بقدرت رسانیدن یک دسته از سیاستمداران اسبق جهادی و تکنوکرات در نتیجه کنفرانس بن در آلمان که یک نمونه دیگری از این مثال است. رویکار آمدن یک نظام سیاسی متزلزل، بی ثبات و بی اساس در وجود چنین یک ترکیب نامتجانس، غیر شفاف، غیر مسلکی که زاده شرائط یک افغانستان ویران و بخاک یکسان شده بود، مثال دیگری برای اثبات این ادعاست. دولت یا نظام سیاسی عبوری را که میتوان یکی از ضعیف ترین نظام های تاریخ صد سال پسین افغانستان نام برد، به میان آورد. هدف از بمیان آوردن چنین یک قدرت سیاسی آن بود تا در چنین ترکیب قراردادهای مؤقتی سیاسی کوتاه مدت به منظور مشروعیت بخشی حضور قوای چند ملتی جهان با عملکرد سیاسی، اقتصادی و نظامی دست باز را برای ایالات متحده امریکا و متحدان ناتوی آن به میان آورد.

از آن روزگار تا کنون حدود سیزده سال سپری شد. در طی همین سیزده سال گذشته دولتمردان آنزمان که تعدادی از صحنه خارج و تعدادی پنجه هایشان در حفظ قدرت سیاسی محکم تر گردید، به این واقعیت متقاعد شدند که تنها در چنین یک حالت بحرانی است که زمامداران افغانستان بسیار عجولانه تسلیم امضای قراردادهای سیاسی شده اند که در آینده برایشان مشکل ساز و زیانمند بوده است.

در عقب وضع پیش آمده کنونی که یک بحران پروژه است تا طبیعی چه چیزی پنهان است؟

ایالات متحده امریکا و متحدان غربی اش از یکسو، ایران، چین، هند و روسیه از سوی دیگر در وضعی قرار گرفته اند که تشکیل دولت آینده تحت رهبری یکی از نامزدان این دو تیم، گرایش سیاسی آینده افغانستان را به سود کدام یک از این دو طرف خواهد کشاند.

پاکستان در امضای قرارداد امنیتی با امریکا تنها یک چیز می خواهد و آن عبارت است از این که با ادامه و تشدید جنگهای نیابتی کنونی زیر نام تروریسم و القاعده و طالبان دولت امریکا و متحدانش را در وضعی قرار دهد تا بحیث یکی از طرفین قرارداد امنیتی با افغانستان بر دولت آینده افغانستان مطابق به قواعد و قوانین بین المللی فشار آورد این که هرگاه میخواهید از کشورتان در برابر شورشیان وارد شده از پاکستان دفاع کنیم، پس شما رسماً حدود مرزی و ارضی رسمی تا نرا با پاکستان به ما روی یک قرارداد دو

جانبه نشان دهید تا آنزمان بتوانیم بر پاکستان فشار وارد کنیم یا بتوانیم مطابق به موادات پیمان امنیتی از حدود رسمی و شناخته شده ارضی و مرزی تان با پاکستان دفاع کنیم.

اما اگر شما با پاکستان چنین قرارداد سیاسی شناسایی رسمی ارضی و مرزی ندارید، ما مطابق به قوانین بین المللی از کدام خطوط به این سو دفاع و حراست کنیم. ما با هر اقدام نظامی و سیاسی از سوی پاکستان به تجاوز به حریم آنها متهم شده و از سوی جهانیان محکوم خواهیم شد.

حال این وضع موجود با به بحران بردن انتخابات ریاست جمهوری افغانستان چه ربطی دارد؟

چنان که در بالا تذکار رفت، موجودیت یک دولت توانمند به میان آمده در نتیجه یک انتخابات قانونی، شفاف و با اکثریت رأی میتواند که با آرامش خاطر و با نظر داشت از پیش نیامدن حالتی که منجر به رفتن زیر دام امضای قرارداد سیاسی شامل شناسایی حدود ارضی و مرزی با پاکستان به اساس "خط دیورند" باشد، نگردد. دولت با ثبات، حرفوی و .. که میتواند یکبار دیگر سبب تغییر و تعدیل در شرائط قرارداد امنیتی با امریکا و برخ متحدانش گردد. غیر این بایست وضع سیاسی در افغانستان مثل ادوار گذشته که در چند نمونه از آن در بالا یادآوری گردید، بسیار بحرانی، غبار آلود و تهدید کننده در نتیجه جنگ قدرت مثل امروز بمیان آید. به میان آمدن وضعی که همزمان مردم این کشور را زیرتهدید جانی، مالی و ایمنی تا زمانی قرار دهد که این بازی ها با امضاء قراردادهای نامبرده پایان نیابد.

برابر سازی زمینه های امضاء این قراردادهای سیاسی - نظامی

با نارضایتی یک از دو نامزد انتخابات ریاست جمهوری افغانستان صحنه بازی طوری عیار ساخته شده که طرف برنده را که به نظر میرسد به عواقب بازی های پشت پرده در وجود امضای این قراردادهای سیاسی و امنیتی پنهان است، پی برده است. و از این رهگذر که این نیرو را تحت فشار قرار دهد یا مهلت زمانی دوباره اندیشیدن برای مطالعه بیشتر موادات و پسلگدهای این قرارداد یا پیمان را کوتاه و اوضاع سیاسی و نظامی را برایش تهدید آمیز ساخته باشد، تیم انتخاباتی بازنده را بحیث یک تهدید در بازی بزرگ شطرنج پیش کشیده است.

تیم بازنده ناراضی در این بازی چه نقشی را ایفا می کند

این تیم برای امریکائیان و متحدان ناتوی شان گوشزد کرده اند، هرگاه بقدرت نرسند یا در قدرت سیاسی سهم نشوند یا تضمین های وجود نداشته باشد که بر برخی از عملکردهای مالی و تخطی های ضد حقوق بشری و فعالیت های بانکی، مالی و تجاری افرادی وابسته به این تیم تضمین نگردد، آنها در موقف اپوزیسیون رسمی مسئله تصویب نهایی این قراردادها و پیمانها را در شورای ملی یا پارلمان آینده این کشور حمایت نکرده یا آنها را تحریم خواهند کرد.

از این رو اعلامیه آقای "دانبز" نماینده خاص دولت ایالات متحده امریکا برای افغانستان و پاکستان روز پنجشنبه 10 جولای که گفت تا هر دو تیم انتخاباتی باید یک دولت ائتلافی پسان با کاربرد اصطلاح "وحدت ملی" را تشکیل دهند تا در قدرت سیاسی آینده شریک باشند، خود صحنه گذاشتن بر واقعیت تذکار یافته در بالاست.

این تیم که با گذشت هر روز پس از اعلام نتایج دور دوم انتخابات ریاست جمهوری که به تاریخ 7 جولای اعلام شد، فرصت های تغیر در نتایج انتخابات را بسود خودش کم و کمتر می بیند. از این رهگذر یکبار دیگر اشتباهات صریحی که طی واکنش نخستین خود به روز 8 جولای در داخل خیمه لویه جرگه مرتکب شد، زیان بیشتر سیاسی را برای این تیم انتخاباتی به بیار آورد.

اول این که رهبر این تیم نتوانست هواخواهان حاضر در این گردهمایی را تحت کنترل خود درآورد و همزمان به بی سرو سامانی انجامید که تعداد دیگری از شخصیت های مطرح این تیم هم در مواقع غیر ضروری بدون کدام دعوت و نوبت پشت میزخطابه بروند و هرچه در دل و حافظه داشتند ناسنجیده به زبان آورند.

یکی از پیامدهای بسیار منفی این برخورد تیم بازنده در دور دوم انتخابات ریاست جمهوری افغانستان برای سایر باشندگان افغانستان و بخصوص شهریان کابل این بود که دقیقا در آنها خاطرات بیست و چند سال پیش را زنده کرد. تهدیداتی که برای دوام و تصاحب قدرت سیاسی در همین روح و شکل و شمایل آغاز و ادامه یافته بود. آری، این رویداد درون خیمه لویه جرگه روز 8 جولای خاطره آفرین رویدادهای زو خوردهای خیاباتی، ناحیوی و منطوقی در شهرکابل شده بود. رویدادهایی که به کشتار هزاران انسان، اخطاف، تجاوزات جنسی، ویرانی های نا حساب مادی را به میان آورد. بدتر از همه این که تعدادی از شخصیت های حاضر در این گردهمایی همانهایی بودند که درست حدود بیست و چند سال پیش هم در آن بحران و در آن رویدادهای ناشاد شخصا حضور داشتند.

در تایید گفته های "داینز" برای تشکیل یک دولت ائتلافی یا "وحدت ملی" معاون دوم تیم انتخاباتی "اصلاحات و همگرایی" آقای محمد محقق در یک گفتگوی ویدئویی با تلویزیون طلوع به تاریخ 10 جولای گفت، که او به تشکیل یک دولت ائتلافی موافق است، اما به اساس نتایج دور اول انتخابات. او گفت که به اساس آرای بلند تیم ما و با در نظر داشت آرای آقایان زلمی رسول، استاد سیاف و آقای شیرزوی.

اینجاست که تیم "اصلاحات و همگرایی" اشتباه تاریخی اش را در ائتلاف شتابزده با این افراد به اساس نتایج دور اول انتخابات که در اصل آرای واقعی خود این افراد نبوده بل از کسانی دیگری بود که برای بدست آوردن آراء برای نامزدان دور اول انتخابات که در بالا از ان نام برده شد، دست به کار شده بودند. زمانی که تعدادی از سران تیم های پیشتاز دور اول انتخابات در دور دوم انتخابات به تیم "اصلاحات و همگرایی" پیوستند، رأی قبلی آنها در دور دوم عملا به تیم رقیب رفت. کسان دیگری از رده های دوم اما تعیین کننده تیم های انتخاباتی پیشتاز دور اول که با پیوستن چهار نفر از سران نامبرده در بالا در ائتلاف با تیم "اصلاحات و همگرایی" از حمایت و دادن آراء به "اصلاحات و همگرایی" خوداری کردند. آنها رأی هواخواهانشان را به تیم رقیب "تحول و تداوم" که در دور اول در جای دوم قرار داشت، سپردند.

این ابراز توافق آقای محمد محقق از تیم "اصلاحات و همگرایی" خود صحنه گذاشتن به اشتباه سیاسی و تاکتیکی این تیم بود. اشتباهی که در نتیجه، شرائط خاص و آرمانی را برای بازیگران بزرگ در شکل دهی جریانات سیاسی افغانستان به ویژه بدست ایالات متحده امریکا و متحدانش سپرد. این وضع هرچه بحرانی، پیچیده و غبارآلود گردد به همان اندازه سود بردن طرف های برونی را برای امضای بی درد و سر قرار داد امنیتی با افغانستان ساده و بی درد سر می سازد. از این رو در نتیجه بیجا نخواهد بود که بجابودن مثل مشهور "بز در جانکندن و قصاب در غم چربو" را در شرائط کنونی افغانستان تکرار کنیم. افغانستان بدست فرزندان خودش که برای دستیابی به قدرت خالق بحران می شوند، کشورشانرا زیر کارد تیز قصابان کشورهای همجوار، منطقه و جهان قرار می دهند تا خود با قربانی کردن کشورشان نام امیر، شاه و رئیس جمهوری را در تاریخ برای شان کمایی کرده باشند، اما اینان از تاریخ عبرت نمی گیرند که مثل پیشینیان اگر هم با صد نیرنگ و بحران، به قدرت برسند، اما با محاسبه و محکمه تاریخ چه خواهند کرد؟